

علیرضا اسماعیلی^۱

باغ و عمارت چهل ستون در آینه اسناد دوره پهلوی اول

عمارت چهل ستون کوشکی واقع در میان باغی به همین نام، از جمیوعه باغهای دولتخانه صفوی در اصفهان، است که شاه عباس اول صفوی (حکم ۹۹۶-۱۰۳۸ق) آن را بنیاد گذاشت. این باغ، با پیش از سیصد متر طول و تقریباً به همین اندازه عرض،^۲ با چنارهای سربرافراشته و خیابانهای مشجر «که تمام عرض آنها به بهترین و مطبوع ترین وجهی در زیر سایه قرار گرفته»^۳ بود، همراه با فواره‌های بی‌شمار استخر آن، در دوره صفویه منظره‌ای بینظیر و زیبا داشت که به قول کمپفر^(۴)، اگر کسی «از این همه لطف لذت نبرد، باید گفت که کج طبع جانوری است.»^۵

بعداً

درباره باغ و عمارت چهل ستون و طرح معماری و تزیینات و نقاشهای آن سخن بسیار گفته‌اند. هدف از این مقاله عرضه اسناد منتشر نشده دوره پهلوی اول درباره آنهاست. از این اسناد کمایش هم‌زمان می‌توان به وضع باغ و عمارت چهل ستون در اوایل دوره پهلوی، پیش از تصرفات آن دوره و تقریباً در وضعی که در اواخر دوره قاجاریه داشته است، بی‌برد.

♦

عمارت چهل ستون، از «جمله ترین، باشکوه‌ترین، و بزرگ‌ترین بناهای سلطنتی»^۶ دوره صفویه، تاکنون فراز و نشیبهای فراوانی را از سر گذرانده است. این عمارت، «که از جلو با بیست ستون چوبی بلند قرمز، عمارت تخت جشید را به یاد می‌آورد»،^۷ در اواخر دوره صفویه، در زمان سلطنت شاه سلطان حسین (حکم ۱۱۳۵-۱۱۰۵ق)، دچار حریق شد و پادشاه، که این حادثه را مقدر می‌دانست، گذاشت تا در آتش بسوزد و سپس به تعمیر و بازسازی اش دستور داد.^۸

عمارت چهل ستون، علاوه بر زیبایی ظاهری، معنایی رمزآلود نیز دارد، که هر کس آن را از ظن خود تفسیری کرده است. واژه «چهل» را در نام آن گاه نشان قداست این عدد و گاه نشان کثرت شمرده‌اند. درباره سابقه قدسی‌بنا هم سخنانی گفته‌اند؛ از جمله اینکه پرستشگاهی از دوران باستان^۹ و مسجدی از دوران اسلامی^{۱۰} است. شاید بر اساس همین پیشینه بود که شاه سلطان حسین همت به خرج داد و آن را بازسازی کرد. با این همه، تقدیر آن بود که چهل ستون از گزند روزگار در امان نباشد؛ به‌طوری که علاوه بر آسیبهای ناشی از آتش‌سوزی و سپس هجوم افغانان، سلسله‌های پس از صفویه نیز بدان

باغ چهل ستون از جمیوعه باغهای شاهی در دولتخانه صفوی در اصفهان است که شاه عباس اول صفوی بنیاد کرد. بعدها، در دوره دیگر شاهان صفوی، بهویشه شاه عباس دوم، عمارت آن گسترش یافت. در دوره قاجاریان، خصوصاً زمان حکومت ظل‌السلطان بر اصفهان، به این باغ و بنا سختی مهری شد. در دوره پهلوی اول نیز در بنا و باغ تصرفی کردند. بر اساس برخی از اسناد لشکری و دیوانی دوره پهلوی اول، می‌توان به وضع این باغ و عمارت در اوایل دوره پهلوی و تا اندازه‌ای در اواخر دوره قاجاریان بی‌برد.

(1) Engelbert Kaempfer (1651-1716)

در سال ۱۳۰۹ش، قانون بلدیه مصوب مجلس اول مشروطه تغییر کرد^{۱۷} و بلدیه از نهاد مدنی ای کاملاً منتخب مردم به نهادی دولتی تبدیل شد. اگر تا پیش از این، دستکم در قانون و نه در عرصه عمل، رئیس بلدیه غایب نداشتند؛ منتخبان مردم در انجمن بلدی بودند، در قانون جدید، رئیس بلدیه غایب نداشتند دولت و کارگزار آن بود.

هرچند قانون مصوب ۱۳۰۹ش شأن دموکراتیک بلدیه را فروکاست، در عرصه عمران شهری موجب اقدامات مهمی شد؛ از جمله واگذاری قلعه‌ها و مکانها و بنای‌های تاریخی و تفرجگاه‌های در اختیار نظامیان به بلدیه‌ها. بر همین اساس، ارگ بم، باغ یوسف‌آباد و آسیابهای آن، قلاع خراسان و... به بلدیه‌ها واگذار شد.^{۱۸}

به هر روی، در نهایت پس از مکاتبات متعدد بین ادارات دولتی، آن قسمت از عمارت تیموری اصفهان که در اختیار بلدیه قرار داشت، همراه با بقیه عمارت مذکور که در تصرف مالیه اصفهان بود، در اختیار تیپ مستقل اصفهان قرار گرفت.

در ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۰ش، در این خصوص کمیسیونی با حضور نایب محمدحسن خان و نووق، دزبان ساخلوی اصفهان، از طرف فوج مستقل اصفهان و یزد، و میرزا محمدعلی خان ایروانی، از طرف اداره بلدیه شهر اصفهان، تشکیل شد. براساس صورت جلسه‌ای که در همان تاریخ به امضای دزبان نظامی ساخلوی اصفهان و متصدی کتابخانه بلدیه رسید، باغ و عمارت چهل‌ستون به اداره بلدیه اصفهان واگذار شد.^{۱۹}

در صورت جلسه مذکور، حدود چهارگانه باغ چهل‌ستون بدقت مشخص، و توصیفی نسبتاً کامل از باغ و عمارت چهل‌ستون و نواحی اطراف آن بیان شده است. در قسمت اول صورت جلسه، در مورد حدود باغ چهل‌ستون چنین آمده است:

باغ چهل‌ستون محدود است شمالاً به خیابان سپه، شرقاً به عمارت تیموری و عمارت باغ کاج و خلوت حکومتی، جنوباً به زمین حیدری و اراضی هشت‌بشت، که فعلاً قطعه‌قطعه و ابیه ساخته شده، و غرباً به خانه‌های حاج محمد حق طادی و میرزا غلام‌حسین ارباب و کازرونی و خیابان تلگراف‌خانه، دارای دو طرف نرده و یک برج که در زاویه شمال غربی است می‌باشد.^{۲۰}

بی‌مهری کردند؛ و صدمات فراوانی بر آن وارد شد. هنگام حکومت ظل‌السلطان بر اصفهان (۱۲۹۱-۱۳۰۵ق)، با بی‌سلیقگی تمام، «در قصر، تربیت‌نایرانی دیوارها، غیر از نقاشیها، با رنگ قرمز آجری تند و زندمای پوشانده شده بود». ^{۲۱} همچنین با بی‌تدبیری، «در باغ، درختان چنار زیر ضربه‌های تبر یک گروه هیزم‌شکن فرومی‌افتد».^{۲۲} این در حالی بود که با توجه به فضای مستبدانه حاکم بر جامعه ایران، هرگونه اعتراض به این عمل، به قول ادوارد براون^{۲۳}، «به این جواب اصلی ایرانی منجر می‌شد که 'دیگر حکم است'».^{۲۴}

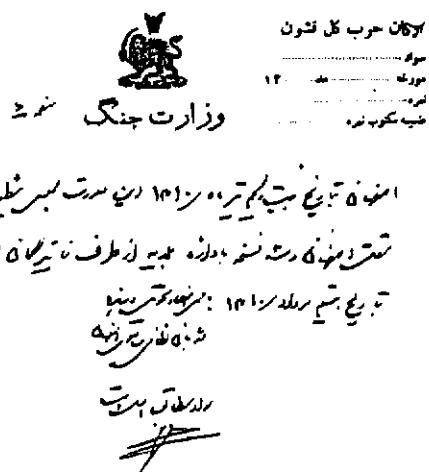
فرد ریچاردز^{۲۵} نقاش و حکاک عضو انجمن نقاشان و حکاکان سلطنتی انگلستان که در اوایل دوره سلطنت رضاشاه از باغ و عمارت چهل‌ستون دیدار کرد، درباره وضع اسفبار باغ چهل‌ستون می‌نویسد: «باغهای کاخ بر اثر عدم مراقبت سرسبزی خود را از داده و فقط درختان و استخر باقی مانده است».^{۲۶} او درباره استخر باغ نیز، که سیاحان اروپایی دوره صفویه در وصف زیبایی‌های آن و آهنگ دلنواز فواره‌هایش سخنها گفته‌اند، آورده است:

استخر مزبور یکی از بزرگ‌ترین استخرهای ایران به شمار می‌آید و اطراف آن، که از قطعات بزرگ سنگ ساخته شده، اکنون محل آمدورفت هزاران قورباغه برس و صداست.^{۲۷}

بی‌تدبیری و بی‌اعتنایی حاکمان و مردمان به چهل‌ستون ادامه داشت، تا اینکه در سال ۱۳۱۰ش در وضع آن تغییری حاصل شد. چنان‌که از اسناد برمی‌آید، باغ چهل‌ستون و عمارت آن، همچون بسیاری از بنای‌های تاریخی، در دوره رضاشاه در اختیار تیپ مستقل اصفهان بوده است. البته قرایین حاکی از آن است که بسیاری از مکانهای تاریخی در سراسر کشور در اختیار نظامیان بوده است. در این زمان، بخشی از عمارت تیموری که در مجاورت باغ چهل‌ستون قرار داشت محل اداره بلدیه اصفهان بود. در سال ۱۳۱۰ش، تیپ مستقل اصفهان برای استقرار مدرسه وکیلی خواستار عمارت تیموری شد.^{۲۸} بلدیه اصفهان هم در ازای واگذاری عمارت تیموری، باغ و عمارت چهل‌ستون را مطالبه کرد.^{۲۹} هرچند که ظاهر قضیه بیانگر توافق میان بلدیه اصفهان و تیپ مستقل است؛ تحول رخداده در حوزه بلدیه نمی‌توانست در این امر بی‌تأثیر باشد.

(2) Edward Granville Browne (1862-1926)

(3) Fred Richards



ت. ۱. سند ش. ۴، ص. ۶
بایگانی وزارت دربار
پهلوی اول، مرکز آزاد
ریاست جمهوری، پرونده
ش. ۸۲۹۸

۱. منصوب به دیوارهای ایوان و سقف منبت و مذهب کاری مینیاتوری قدیم روی تخته می باشد؛
۲. ایوان دوم دارای دو ستون طویل، شانزده تخته سنگ مرمر منقوش^۱ و پنج تخته مرمر بیاض منصوب به دیوار و سقف آیینه و منبت کاری است؛
۳. ایوان کوچک آیینه کاری دارای چهار آیینه سنگ و یک دریچه آیینه، که محل دو جلد کلام الله مجید، یکی به خط حضرت امام حسن علیه السلام و دیگری به خط حضرت امام زین العابدین علیه السلام، و عهدنامه منعقده علمای نصارا و یهود با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و خرقه شاه صفی [شیخ صفی؟]، که از آثار عتیقه است، می باشد؛ و شش تخته سنگ مرمر و دو ستون مرمر منقوش منصوب به دیوار و چهار طاقجه، که هر یک دارای تابلو صوری عهد قدیم [است] یکی از آنها [را]، که در اثر خرابیهای زمان ظل السلطان قسمتی رخته و محور شده، به همین حالت در موقع ترمیم بازگذاردهاند.
۴. اتاق اول: اتاق واقعه در سمت جنوبی ایوان دوم، دارای چهارده درب و یک دولابچه و سه پنجره قدی قاب شیشه، سقف آن روی نقاشی جدید کتبیه آن گچ بری جدید دوازده تابلو صورت نقاشی جدید و بخاری نقش گچ بری قسمت بالای آن روی آیینه است و قسمت فوقانی آن یک طاقجه بلند منقوش به گل کاری قدیم؛
۵. اتاق دوم: واقعه در قسمت شمالی ایوان، دارای چهارده درب، سه پنجره قدی قاب شیشه، سیزده تابلو نقاشی

در قسمت دیگری از صورت جلسه، موقعیت در ورودی باغ چهلستون مشخص و ساختمانهای سمت چپ و راست آن چنین توصیف شده است:

درب ورود و بزرگ چوبی، که چهار قطعه نرده آمن دارد، واقعه در ضلع شمالی، که سمت راست آن بنای یک گلخانه با هفت درب قاب شیشه و یک اتاق یک دری و یک پستو و یک مستراح دارای درب چوبی و سمت چپ آن بنای یک قراولخانه و یک اتاق پشت دارای دو درب و دو پنجره قاب شیشه و یک اتاق یک دری و یک مستراح دارای یک درب چوبی [است].^۲

در بخشی از صورت جلسه هم تعداد درختان باغ و وضع استخر آن بیان شده است:

اشجار باغ، مطابق صورت علی حدۀ ضمیمه، هفتاد و یک قطعه مشترک در ۷۵۲ قلم تنظیم گردیده است. استخر باغ، که اضلاع و حاشیه آن سنگی و در چهار زاویه آن چهار مجسمه از آثار حجاریهای عهد قدیم می باشد، هر یک دارای چهار صورت انسان حجاری شده می باشد. یک لآچیق، که سقف آن از آهن سیاه و محیط آن دارای نرده چوبی و سکوی آجری و آجرفرش شده می باشد، در جلو حوض کوچک سنگی سمت جنوبی باغ واقع و بنا شده است.^۳

یکی از بخش‌های مهم این صورت جلسه بخش معرفی عمارت چهلستون است، که در آن به تفصیل جزئیات قسمتهای بیرونی و درونی عمارت ذکر شده است:

عمارت تاریخی چهلستون، که قسمت سالن و ایوانهای مسقّفش به طرز رومی و سطح آجرفرش و قسمت ایوان آن شیروانی به طرز ازمنه سالفه از الوارهای قطور و چوب‌بست قابل ملاحظه می باشد، که اطراف قسمت قدامی دارای طرّه‌ها و دریچه‌های بادگیر متعدد است. اینها به شرح ذیل تشخیص می‌یابد:

۱. ایوان مقدم و جلو دریاچه دارای سه بلکان سنگی در سه طرف، که یکی آن در دو طرفش دو تهستان سنگی از حجاریهای قدیم است، و هیجده ستون طویل، که چهار عدد آن متهی به چهار تهستان سنگی که هر یک چهار صورت شیر و از حجاریهای عصر عتیق می باشد، و در وسط سی و شش تخته سنگ مرمر که حاشیه حوض سابق و سطح ایوان بوده و بیست و چهار تخته سنگ مرمر بیاضی و ۹ تخته سنگ مرمر منقوش^۴

وزارت چنگ

حسب هر سه ۱۹۵۷ تا پنج هفت بیکمین سال ۱۳۱۳ کمیته انتخابی برگزینن دوستی شدند
برگزینن از طرف فتح تقدیر و مدنی میرزا ناصر خان در راه از طرف لشکر
جست تحریم و لذکار این شیوه دوستی بازیگر سپرده تواند مدنی از طرف لشکر
لطف - صدر

الطب - مصر

شیخ میرزا محمد دشت شاد و خجایه نهاد سرمه دشت تبریز و عدالت بین اربع خبرت مکونه -
چنان فرشتی سرمه دشت که نهاده آنقدر تقدیر میگردید و از این نظر نمود و در این نسبت میگفت
درین طلاق ممکن است در کارزاره و خیابان خوش از زندگانی مدارس و مراقب نزدیک باشد و میگفت محقق طلاق
سرمه دشت :

و بخاری و کتیبه و بدنۀ دیوار دارای نقوش گل کاری قدیم، که جدیداً مرمت شده، و قسمت سقف آن، که در اثر گچ کاری روی آن خراب و پس از ترمیم و تعمیر به حالت اولیه خود باقی، گذاردۀ شده؛

ت. ۲. سند ش. ۴، ص. ۱.
باگانی وزارت دربار
بمکانی اول، مرکز استاد
ریاست جمهوری، پرونده
۸۲۹۸ ش.

۱۱. اتاق پنجم، دارای چهار درب، دو پنجره و دو نزدیکی
آهن و یک دولابچه؛

۱۲. اتاق ششم، دارای دو درب و یک درب پلکان؛

۱۳. اتاق گوشوار زاویه شمال غربی، دارای یک درب،
نزدیکی کوچک جلو ایوان؛

۱۴. اتاق گوشوار زاویه جنوب غربی، دارای سه درب
و یک درب دولابچه؛

۱۵. اتاق گوشوار زاویه جنوب شرقی، دارای دو درب
و یک درب دولابچه و یک پنجره قاب شیشه؛

۱۶. اتاق گوشوار زاویه شمال شرقی، دارای دو درب و
یک پنجره شیشه، یک درب دولابچه.^{۲۵}

در بخش پایانی صورت جلسه، اطراف عمارت
چهل ستون چنین وصف شده است:

چهار طرف عمارت را جوی سنگی احاطه نموده.
ایوانهای سه طرف عمارت دارای پله‌های سنگی است.
یک مجسمه سنگی چهار شیر از آثار تخت جشید در
بانگچه قسمت شمالی عمارت قرار داده شده است.^{۲۶}

سند دیگر در همان دوره نوشته‌ای از صادق
هدایت است. هدایت در کتاب پروین دختر ساسان و
صفهان نصف جهان، که در سال ۱۲۱۲ش به چاپ
رسیده، مشاهدات خود از عمارت چهل ستون، به ویژه
دیوارنگاره‌های آن را چنین نگاشته است:

به دیوار، نقاشی‌ای دیده می‌شود که روی همه آنها [را]
در زمان ظل السلطان گنج گرفته بودند و عمداً خراب
کردند. در بعضی از آنها، مخصوصاً گل و بته زمینه
دیوار به کلی ازین رفته است و رویش را رنگ آبی
ساده زده‌اند. در دو اتاق دو طرف ایوان و ایوانهای
رویه بیرون آنها، هنوز نقاشیها و تهرنگ آنها باقی مانده
است. مخصوصاً نقش ونگار روی بدنه دیوار و سقف آن
خیلی جالب است و برای تقطیع روی کاشی، گل دوزی،
منبت‌کاری، و قالی بافی سرمشق‌های گران‌بایی به دست
می‌دهد. قسمت بالای ایوان، تالار چهل ستون واقع شده
و تقریباً دست‌خورده مانده است؛ به جز ازاره دیوار و
یک عکس ناصرالدین شاه که در مقابل نقاشی‌های دوره
صفوی گریه می‌کند [...]. پرده‌های بزرگی که دور تالار
در قسمت بالای آن کشیده شده یکی از جنگلهای
شاه اسماعیل را نشان می‌دهد و یکی از آنها مجلس بزم
شاه عباس را که با سبیلهای از بنائگوش در رفته آن
بالا نشسته و غایندگان خارجه و بزرگان دور تادور
او نشسته‌اند، مشغول می‌گساري هستند؛ مانند همان

هم ضمیمه باغ کاج غایبند. گرچه عمارت مزبور مورد احتیاج بلدیه یا حکومت نیست و عمارت قدیمی هم نیست که حفظش از نقطه نظر آثار ملی لازم باشد؛ ولی نظر به اینکه برای حفاظت عمارت چهل ستون که در اختیار بلدیه خواهد بود، باید باغ و عمارت کاملاً به اختیار بلدیه باشد تا بتواند اخمام وظیفه غاید؛ و با این ترتیب که در یک قسمت این باغ افراد قشون و غیره رفت و آمد غایبند، به هیچ وجه حفاظت عمارت و غیره ممکن نخواهد بود.^{۲۸}

در مقایل، فرمانده فوج مستقل اصفهان اتفاقهای مورد مناقشه را متعلق به باغ کاج می‌دانست و برای رفع اختلاف، نزده‌گذاری بین باغ کاج و باغ چهل ستون را خواستار بود:

اتفاقهای منظور [...] اساساً از اتفاقهای باغ کاج و طرز ساختمان و وضعیت آن و انصال راهروها و باز شدن در بیهای آن در باغ کاج کاملاً مشهود و مشبوث می‌دارد که جزو باغ کاج بوده و به هیچ وجه مربوط به چهل ستون نیست. از سابق هم اتفاقهای مزبور معروف به «اتفاق نظام» بوده و در مقابل آنها معادل ده ذرع زمین از فضای فعلی باغ چهل ستون منحصراً متعلق به اتفاقهای مزبور بوده، که به وسیله نزده‌های آهنی که از سنگهای چخماقی قدیم بوده از فضای چهل ستون بجزا گردیده؛ و در زمان لشکر جنوب که هر دو عمارت (چهل ستون و باغ کاج) به تصرف قشون درآمده، نزده‌های مزبور برداشته شده است. فعلاً هرگاه از اتفاقها و فضای مزبور صرف نظر و به چهل ستون واگذار شود؛ عمارت باغ کاج، که برای عمل سکونت افراد مدرسه و کلاس پیاده از روی ضرورت و احتیاج تعبیر می‌شود، بلااستفاده خواهد ماند. علی‌هذا مستدعی است امر و مقرر فرمایید اداره بلدیه محل مزبور را به صورت اولیه مفروض نموده و به منظور حفاظت و جلوگیری از آمدورفت افراد نظامی هم ممکن است اداره بلدیه کماف السابق نزده گذاره و از باغ چهل ستون بجزا غایبند.^{۲۹}

ظاهرآ این اختلاف با پذیرش پیشنهاد فرمانده فوج مستقل اصفهان، یعنی نزده‌گذاری بین باغ کاج و باغ چهل ستون، به پایان رسید؛ زیرا صادق هدایت در مشاهدات خود از چهل ستون، در حدود یک سال پس از این تاریخ، به این نکته اشاره کرده است: «پیداست که به تازگی دور باغ آن را نزده کشیده‌اند. در باغ از ما اجازه ورود خواستند؛ و این خودش اسباب امیدواری بود.»^{۳۰}

مجالی که شاردن نقل می‌کند [...]. گویا این پرده‌ها به دستور نادرشاه کشیده شده؛ برای اینکه پادشاهان صفوی را عیاش و بی‌قابلیت نشان بدند و آنها را از چشم مردم بیندازد و در عوض خودش را مرد جنگی قلم بدهد.

پایین این پرده‌ها، نقاشی‌های کوچک دیگر از زیر گچ در آورده‌اند، که اغلب آنها بی‌اندازه قشنگ و پیداست که کار استادان زیردست می‌باشد [...]. شیوه نقاشیها مختلف است. در آن تأثیر چینی هم دیده می‌شود؛ و در ایوان دو طرف عمارت چند پرده از کار نقاشان هلندی هم وجود دارد که عکس سوارهای قدیم و موضوعهای اروپایی است، که اغلب آنها از پا درآمده و رویش را یادگاری نوشته‌اند [...]. این پرده‌ها بر از روح است و بعد از سیصد سال، هنوز نقاش احساسات خودش را از روی همین نیشها قلم مو به ما انتقال می‌دهد و ما را در خواهای شرین و عشق‌انگیز می‌کشاند. و همین پایه تمن و بزرگی آن زمان را می‌رساند؛ زیرا تنها چیزی که در آیندگان تأثیر دارد همین تراوشهای عجیب، مانند نقاشی، معماری، ساز، و ادبیات است که انسان را به هیجان می‌آورد و قلب را به تکان می‌اندازد و حس ظرافت را تهییج می‌کند. همه این صورتها از زیر گچ نیم‌تر اشیده، نیم‌پاک شده با انسان حرف می‌زنند و زندگی مرموز، بی‌حالت، و خشک‌زده خودشان را با زبان بی‌ذیانی بیان می‌کنند؛ به طوری که انسان از قماشای آن دل نمی‌کند. شیوه نقاشی ایرانی هیچ وقت ظرافت و قشنگی خود را از دست نمی‌دهد. همین برتری آن را بر نقاشی اروپایی نشان می‌دهد که در هر قرن و هر زمان تغییر می‌غاید.^{۲۷}

اما واگذاری چهل ستون به بلدیه پایان کار نبود. پس از واگذاری باغ چهل ستون، بر سر تعیین حدود شرقی آن بین بلدیه و اداره قشون اصفهان اختلاف افتاد، که حکومت اصفهان در گزارشی به این موضوع اشاره کرده است:

راجع به تخیله عمارت چهل ستون و تحویل آن به بلدیه عرض می‌غاید: یک قسمت عمارت در ضلع شرقی باغ چهل ستون عبارت از چندین اتاق و اتیار بود، که تحویل اداره نظام وظیفه و عمل آن اداره بود، که در موقع تحویل به آنجا نوشته شد؛ تخیله نمودند. اینک، از قراری که بلدیه می‌نویسد، نظر به اینکه ضلع مزبور وصل به عمارت باغ کاج و محلی است که فعلاً اداره قشون آنها را شعبه دزبانی قرار داده‌اند؛ خیال دارند آن عمارت را

پی‌نوشتها:

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر
۲. انگلبرت کمپفر، سفرنامه کمپفر، ص ۲۰۶
۳. همان‌جا.
۴. همان، ص ۲۰۷
۵. زان شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۴۵۰
۶. صادق هدایت، پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان، ص ۶۴
۷. جرج کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۴۰
۸. زان دیولاکوا، ایران، کلده و شوش، ص ۲۵۹
۹. آدام اولتاریوس، اصفهان خونین شاه صفوی (سفرنامه)، ص ۶۰۸
۱۰. ادوارد براؤن، یک سال در میان ایرانیان، ص ۲۳۰
۱۱. همان‌جا.
۱۲. همان‌جا.
۱۳. فرد ریچاردز، سفرنامه فرد ریچاردز، ص ۷۳
۱۴. همان‌جا.
۱۵. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پرونده ش ۸۲۹۸، سند ش ۱
۱۶. همان، سند ش ۲
۱۷. مختاری اصفهانی، اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجارت و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ هـ)، ج ۲، ص ۸۷۲-۸۶۳
۱۸. بایگانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اسناد ش ۲۲۰۰۱۱۰۰ و ۲۲۰۰۱۱۰۰
۱۹. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۳
۲۰. همان، سند ش ۴
۲۱. همان‌جا.
۲۲. همان‌جا.
۲۳. در اصل: نقش.
۲۴. در اصل: نقش.
۲۵. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۴
۲۶. همان‌جا.
۲۷. صادق هدایت، همان، ص ۶۴-۶۶
۲۸. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۵
۲۹. همان، سند ش ۶
۳۰. صادق هدایت، همان، ص ۶۴
۳۱. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۷
۳۲. همان، سند ش ۸

اختلاف به تعیین حدود باغ چهل‌ستون محدود نماند؛ و در مورد اشیای موجود در عمارت چهل‌ستون نیز مناقشه کردند. تیپ مستقل اصفهان از تحويل چهار شیء نفیس موجود در عمارت، مشتمل بر «دو جلد قرآن به خط حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام زین العابدین (ع) و یک طغرا عهدنامه حضرت امیر (ع) و خرقه شاه صفوی»^{۳۱} به بلدیه خودداری و آنها را به عمارت تیموری منتقل کرد. سپس تصمیم گرفتند آنها را به تهران بفرستند. سرانجام این اشیا را با فرمان رضاشاه به وزارت معارف و اوقاف تحويل دادند.^{۳۲}

در پایان، گفتگی است که اهمیت اسناد یادشده در شرح نسبتاً کاملی است که از وضع باغ و عمارت چهل‌ستون در دوره رضاشاه به دست می‌دهد و می‌توان آنها را از نخستین آثار مكتوب داخلی در شرح این عمارت دانست. □

کتاب‌نامه

- اولتاریوس، آدام، اصفهان خونین شاه صفوی (سفرنامه)، ترجمه حسین کردیجه، تهران، هیرمند، ۱۳۷۹
- بایگانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اسناد ش ۲۲۰۰۱۱۰۰ و ۲۴۰۰۳۴۸۵۸
- بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پرونده ش ۸۲۹۸، اسناد ش ۱، ۳، ۵، ۷، ۸
- براؤن، ادوارد گرانویل، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، ماهربن، ۱۳۷۹
- دیولاکوا، زان، ایران، کلده و شوش، ترجمه علی محمد فرهوشی، به کوشش بهرام فرهوشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- ریچاردز، فرد، سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹
- شاردن، زان، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توسع، ۱۳۷۴
- کرزن، جرج ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰
- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳

مختاری اصفهانی، رضا، اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجارت و اصناف (۱۳۰۰-۱۳۲۰ هـ)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰

هدایت، صادق، پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶